جامعه ایران با حضور طیف‌های مختلف در جشن چند میلیونی غدیر، اتصال دینی با وجود تکثر اجتماعی را به رخ اپوزیسیون و متحجران کشاند

وحدت عین کثرت

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

فهم است. این شادی عمومی محلی برای اجتماع همه مردم ایران است با همه آن تفاوت دیدگاه‌ها و البته تیپ‌های متنوعی که دارند و اگر فردی با دیدن یک خانم ضعیف‌الحجاب در این جشن دینی، تعجب می‌کند به خاطر این است که نه می‌تواند پیچیدگی‌های جامعه ایران را درک کند و نه می‌تواند از آن تصویر کلیشه‌شده‌ای که برایش ساخته‌اند، رها شود. پیش از این در گزارش‌هایی در برای دومین سال پیاپی در روز عید مبارک غدیرخم، اجتماع بزرگ انسانی در سراسر کشور برپا شد و خیابان‌ها با شور و شوق خانواده‌ها گره خورد. این رویداد بزرگ، فارغ از اجاد شکل گیری و ضریب یافتنش، می‌تواند به عنوان یکی از جلوه‌های اتصال دینی با اجتماع ایران موردبررسی قرار گیرد. سال‌هاست که رسانه‌ها به خصوص تلویزیون، نتوانسته‌اند تصویری عمومی از جامعه دینی ایران به نمایش بگذارند و هرگاه سراغ یک فرد دیندار رفتند، شمایلی کلیشه‌شده از آن ساخته شد. قطعا برای آنهایی که عادت ندارند، جامعه ایران را فارغ از این کلیشه‌های مرسوم ببینند، دیدن تصاویر مردم در جشن بزرگ غدیر غیرقابل دو گروه هستند که نمی‌خواهند تمام جوانب جامعه ایرانی که در جشن غدیر حضور داشته را نمایش دهد؛ گروهی که مادام در حال تصویرسازی کج‌ومعوج از جامعه ایران است و می‌خواهد لباس دیگری بر تن مردم ایران بپوشاند. در چنین تصویرسازی‌ای، اجزایی از اجتماع انسانی داخل خاک ایران را می‌بینیم که از گزاره‌های دینی فاصله گرفته‌اند و در حسرت برگزاری جشن‌های هالووین و ولنتاین هستند. برای این گروه که عموما در رسانه‌های خارجی بیشتر مواقع از اجتماع انسانی قائل هستند و جامعه‌شناسان این گروه‌ها را فرصتی برای اسان گرفتار تحریف می‌کنند. اما گروه دومی را هم داریم که نمی‌تواند همه واقعیت جامعه دیندار امروز ایران را ببینند؛ اینها که متاسفانه در بدنه مدیریتی و سازمانی کشور هم حضور دارند، فاقد این توانایی هستند که چتر اجتماعی چنین روندهایی را بر گستره وسیعی از جامعه ایران پهن کند. خطر این گروه دوم اگر از اولی بیشتر نباشد، کمتر نیست و از عوامل موثر در تشدید شکاف اجتماعی هستند. جامعه امروز ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند کانال‌هایی است تا افراد در یک گستره وسیع با هم در ارتباط باشند و اجتماعات بزرگی همچون جشن بزرگ غدیر علاوه‌بر اینکه نمایشگاهی جذاب از انسان‌های درون یک شهر است، این امکان در کنار هم بودن آدم‌ها را برایشان فراهم می‌کند.

حضور یک فرد در اجتماع بزرگ انسانی، نه‌تنها او را در پیوند و ارتباط با دیگری توانمند می‌سازد، بلکه به او یک هویت جمعی می‌بخشد و اعتماد به‌نفسش را بالاتر می‌برد. در جامعه مدرن شده امروز ارتش و جایگاه ویژه‌ای برای اجتماعات انسانی قائل هستند و جامعه‌شناسان این روندها را فرصتی برای اسان گرفتار در فردیت می‌دانند تا از بند تنهایی بیرون آیند. به نظر می‌رسد که هر چه پیش‌تر برویم، جشن بزرگ غدیر، این امکان را برایشان فراهم می‌کند که آدم‌های بیشتری از جامعه ایران با آن درگیر شوند. اگر ابعاد انسانی این جشن بزرگ، گرفتار تصمیمات فردی و سلیقه‌ای قرار نگیرد و همچنین بتواند امکان‌های متنوعی را برای حضور حداکثری جامعه ایران فراهم کند، در سال‌های بعد می‌توان شاهد برکات بیشتری از این رویداد بزرگ ملی باشیم.

لازمه جامعه اسلامی: داشتن نشاط اجتماعی

«اجتماعی‌شدن فرآیندی که به انسان شیوه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، به او شخصیت می‌دهد و توانایی‌هایش را در جهت ایفای وظایف فردی به‌عنوان عضوی از جامعه توسعه می‌بخشد. «این صحبت نسرین دانایی، جامعه شناس ما را به سمت این می‌برد که بدون اجتماع زندگی کردن ناممکن است، مخصوصا زندگی در جامعه اسلامی.

هر فردی در خلال اجتماعی شدن شناخت لازم برای ایفای نقش‌های اجتماعی را به دست می‌آورد. این روند بسیار گسترده و پیچیده که در طول زندگی هر فرد تداوم می‌یابد، شامل آموزش زبان، باورها و نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه است و به فراگیری رفتارهای مناسب با هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه منجر می‌شود.

بنیادی‌ترین بخش در حضور جمعی، در دوران کودکی رخ می‌دهد اما این روند در سراسر عمر آدمی ادامه پیدا می‌کند. کودک از سویی به‌طور کامل بیرون از جامعه است و از نیازهای فیزیولوژیک خود که از طریق آمادگی جسمانی‌اش مشخص می‌شود، پیروی می‌کند. از سوی دیگر جامعه نمی‌تواند به‌طور مستقیم به او بپردازد، مگر به‌طور کلی از طریق والدین و آن هم برای راضی نیازمندی‌های جسمانی‌اش. حتما تفاوت است بین کسی که سعی می‌کند به صورت فردی در ارتباطات اجتماعی حاضر شود با کسی که در جمع حضور پیدا می‌کند؛ چراکه همین حضور بر رفتار فرد تاثیرگذار است. جامعه‌شناسان معتقدند برای آنکه اعضای جامعه ارزش‌های فرهنگی جامعه خود را بپذیرند و با دیگر افراد جامعه همانند شوند باید از راه‌های اصلی جامعه‌پذیری یعنی یادگیری و درونی کردن هنجارهای جامعه استفاده کنند.

برای اینکه افراد در جامعه به سمت حضور در اجتماع و ارتباطات اجتماعی بروند، یادگیری مهم‌ترین نیاز است. یادگیری فرآیندی است که به وسیله آن هر موجود زنده اطلاعات لازم را برای تغییر رفتار از طریق تجربه کسب می‌کند. مثلا دکرد کنید به کودکی که والدینش او را وادار به رعایت نظافت، داشتن اخلاق خوب و پیروی از آداب معاشرت می‌کنند؛ نتایج نوعی یادگیری می‌شود که به وسیله تکرار جلوه‌ها و رفتارهای ویژه در ذهن او تثبیت می‌گردد. عوامل بسیاری در پایداری یادگیری موثرند؛ مانند توانایی، جدیت، شایستگی، تندرستی، رغبت یادگیرنده، عادت‌های شغلی، گروه همکاران، معلمان، شکل و محتوای آنچه از رسانه‌های گروهی بر فرد عرضه می‌شود و تکرار، تقلید، پاداش و تنبیه و آزمایش و خطا.

هر فردی در فرآیند اجتماعی شدن، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را اکسب می‌کند و آن حالت را برای خودش درونی می‌سازد. این امر نیاز به طی مراحلی دارد مثل کنش متقابل با دیگران، تجربه‌پذیری عاطفی و... «اکاظم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در فرد درونی نشود، فرد آن را بارغبت و رضایت انجام نمی‌دهد و فقط همگامی به آنها می‌پردازد که ناظری بر کارش وجود داشته باشد. حالا بعد از همه این موضوعات، می‌رسیم به زندگی اجتماعی در جامعه دینی که مطمئنا کمی متفاوت با جوامع دیگر است. اسلام برای زندگی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای قائل است، تا جایی که حتی در عبادات که ارتباط بین خلق و خالق است، اصل بر انجام دسته‌جمعی بوده و مشوق‌های زیادی برای آنها قرار داده شده است.

پیامبر(ص) می‌فرمایند: «از جماعت جدا نشوید، و از پراکندگی بپرهیزید.» همچنین می‌فرماید: «دست خدا بر سر جماعت است. هنگامی که یکی از آنها از جمعیت جدا شود و به انزوا روی آورد شیطان او را می‌باید، همان گونه که گرگ، گوسفند جداشده از گله را می‌باید.»

وحید سهیلی، پژوهشگر علم اجتماعی اسلامی در مورد معنای خاص جامعه می‌گوید: «می‌توانیم از دو جنبه به بحث جامعه نگاه کنیم که این بحث، بحث مهمی است. ما یک بار معنای لغوی اجتماع و جامعه را لحاظ می‌کنیم. در معنای لغوی به خود لفظ که نگاه می‌کنیم، این لفظ دلالت به مفهومی می‌کند که شاید زیاد تفاوتی بین اجتماع و جامعه را حساس نکنیم. آن چیزی که به لحاظ تاریخی در غرب اتفاق افتاد، این بود که جامعه را وصل به زندگی اجتماعی کردند که در مدرنیته و دوران مدرن به وجود آمده؛ یعنی به لحاظ تاریخی، جوامع غربی از اصطلاح جامعه استفاده چندانی نمی‌کردند و از اجتماعات انسانی صحبت می‌کنند. مخصوصا هر چه به ابتدای تاریخ برپی گردند، استفاده از اصطلاح جامعه کم‌رنگ‌تر می‌شود و هر چه به مرز مدرنیته نزدیک‌تر می‌شوند، مولفه‌های زندگی جمعی را پررنگ‌تر دنبال می‌کنند و از اصطلاح جامعه راحت‌تر استفاده می‌کنند. به همین خاطر جامعه‌شناسی که در غرب شکل گرفت، دنبال مطالعه جامعه مدرن بود و به همین دلیل مردم‌شناسی را مقابل آن قرار دادند که جوامع بدوی، یعنی اجتماعات را مورد مطالعه قرار می‌دادند. البته بعدها این اصطلاح دوباره تغییراتی پیدا کرد؛ کمااینکه در تاریخ هر علمی این اتفاق رخ می‌دهد. اما به لحاظ تاریخی، کمی بین اجتماع و جامعه در اصطلاح جامعه‌شناسان تفاوت قائل می‌شوند.

از منظر اسلامی، بین اجتماع و جامعه یعنی بین حیات اجتماعی انسان یک تفکیک وجود دارد که شکل غربی آن در قرن ۱۸ و ۱۹ اتفاق افتاد و خیلی به این موضوع قائل نمی‌شود و چنین دیدگاهی وجود کرد. انسان‌ها همیشه در یک زندگی اجتماعی بودند و به قولی مدنی بالطبع بوده و هستند و در واقع دیل یک سری از نیازها و اموری که در طبع، فطرت و وجودشان قرار داده شده، یک بُعد از زندگی شان بُعد حیات اجتماعی است. این تفکیک بین اجتماع و جامعه در جامعه‌شناسی وجود تقریبا مرسوم است. مخصوصا بین نظریه‌پردازان کلاسیک که در نگاه اسلامی چنین دیدی وجود ندارد.»

فرصت شادی را حذف نکنید

بعد از همه این مقدمه‌ها می‌رسیم به موضوع اصلی این گزارش، برگزاری جشن‌هایی که باعث نشاط اجتماعی می‌شوند؛ پذیرش این موضوع که یکی از نیازهای بشر امروزی ایجاد فرصت‌هایی برای شادی و نشاط است، حرفی درست و منطقی است؛ چراکه امروزه‌بیش از هر زمانی نیازبه شادی احساس می‌شود. در گذشته نیاکان ما به‌خوبی برای ارتقای سلامت روان به مناسبت‌های مختلف جشن می‌گرفتند تا شادی را به خود و دیگران هدیه کنند. محمدعلی محمدی، جامعه‌شناس درباره نشاط اجتماعی می‌گوید: «به‌طورکلی می‌شود گفت که احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود و یکی از خلقیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چهارچوب حیات روانی و اجتماعی بازی می‌کند. خداوند سبحان در کتاب آسمانی خود قرآن نگاهی جامع و همه‌جانبه به مساله نشاط دارد خداوند نتیجه فضل و رحمت خود را برای بندگانش شادمانی می‌داند و درجای دیگر شادمانی را نتیجه کسب پیروزی افراد در امور تلقی می‌فرماید. معنای چنین سخنی این است که در دین اسلام زندگی با نشاط نعمت و رحمت خداست و اسلام همواره به دردمن آنده و از دل افراد مومن سفارش می‌کند؛ کمااینکه لفظ شادی در قرآن ۲۵ بار تکرار شده است. همچنین احادیث زیادی نیز در این مورد بیان شده که به یک مورد آن اشاره می‌کنم؛ امام صادق(ع) می‌فرمایند: «شاد کردن مومنان و مسلمانان همتراز شاد کردن خداوند قرار گرفته است.»

عوامل زمینه‌ساز نشاط اجتماعی متفاوتند؛ ازجمله آنها می‌توان به عوامل مختلفی از قبیل شایسته‌سالاری، مشارکت اجتماعی، برنامه‌های تفریحی و سلامت، امنیت شغلی، موفقیت‌های اجتماعی، معنویت، احساس امنیت اجتماعی و روانی، تقویت هویت فرهنگی (دینی، ملی و بومی)، الگوهای تربیتی، وضعیت اقتصادی جامعه و... اشاره کرد. زمانی که مردم جامعه از نشاط اجتماعی برخوردار باشند، وفاق، همبستگی، تعلق اجتماعی، تعاملات اجتماعی مطلوب، رضایت از زندگی و سلامت روانی و ارتقای افراد افزایش می‌یابد و به‌موازات آن آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد، زیرا مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در میان مردم بیشتر می‌شود و مردم آن جامعه احساس زنده بودن

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

یادداشت

پیرامون دومین جشن بزرگ غدیر در تهران و تفسیرهایی که از آن می‌شود

این شگفتی نیست، حقیقت است

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

جشن بزرگ غدیر امسال هم مثل سال قبل باشکوه بود. اینجا جایی نیست که بشود گفت حکومت با اتوبوس از جاهای دیگر آدم آورده تا جمعیت را زیاد کند. نه امکان چنین کاری وجود داشت نه حجم جمعیت طوری بود که بشود با اتوبوس و امثال آن فراهمش کرد. از طرفی اینها همه تهرانی هستند و تهران یعنی همان شهری که عموما طور دیگری شناخته می‌شود. مگر تهران یک شهر مدرن‌شده نیست که نسبت به سایر نقاط ایران، فاصله بیشتری با سنت‌ها گرفته است؟ مگر عادت جماعت مذهبی بیشتر این نیست که اجتماعات‌شان مربوط به سوگواری باشد؟ مگر اجتماعات مذهبی فراگیر، چه عزا و چه جشن، معمولا در واحدهای محلی کوچک سازماندهی نمی‌شوند؟ خیلی‌ها فکر می‌کنند اگر نسبت‌های فامیلی و علقه‌های محلی نباشد تا افراد را دور هم جمع کند، عزاداری محرم هم به این شکوه و عظمت نمی‌رسید. اما جشن بزرگ غدیر همه را یکجا کنار هم جمع کرده است. خیلی چیزها با نگاه به همین رویداد نسبتا جدید، تعریف تازه‌ای می‌طلبند و خیلی از گزاره‌های کلیشه‌ای اعتبارشان را خواهند باخت. حالا بیایید سوال‌های جدیدتر و البته جدی‌تری از خودمان بپرسیم. چرا تا به حال چیزی شبیه راهپیمایی غدیر نداشتیم؟ آیا موانع این مسیر از جانب آدم‌های سنتی بود یا افراد دارای دیدگاه مدرن؟ کدام گروه این پتانسیل بزرگ و شوق عظیم را در بطن جامعه، با هر جبری مدفون نگه داشته بود و اجازه تولدش را نمی‌داد؟ بدون تردید هم بخشی از کسانی که خودشان را مدافع سنت می‌دانند در این تاخیر سهیم هستند و هم تعدادی از آنها که خود را حامی مدرنیسم می‌دانند. مشکل اصلی از فهم کلیشه‌ای این مفاهیم برمی‌خیزد.

کدام سنت، کدام مدرنیته؟

از این عبارات زیاد شنیده‌ایم؛ تلفیق سنت و مدرنیته، جدال سنت و مدرنیته، تردید یا تردد بین خطوط سنتی و جهان‌بینی مدرن و... طبیعتا همه وقتی می‌گویند سنت، یک معنای واحد را مستفاد نکرده‌اند و در مورد مدرنیسم هم همین است. پس آنچه روبه‌روی هم قرار می‌گیرد هم لزوما یک معنای واحد نمی‌دهد. در خیلی از موارد، چالشی ایجاد شده که اصیل نیست یا لااقل در ذهنیت و روش افرادی دیگر می‌تواند چالش نباشد و در مواردی دیگر میل اشتباه به تلفیق دو امری که روح متفاوتی دارند، یک مولود بدفرم و بی‌اصالت پدید آورده است. اگر کسی سنت را مقابل مدرنیسم می‌گذارد اولا باید ببینیم آیا آنچه او سنت پنداشته، یک معنای عام و حقیقی دارد یا نه. بعد باید به سراغ این برویم که ببینیم او فهمش از مدرنیسم چیست؟ آیا او همان چیزی را خصم یا دیگری تصور کرده که بقیه هم مقصودشان از مدرنیسم همان است؟ درمورد تلفیق اینها هم باید باز به همین نحو کنکاش کرد. سال گذشته وقتی استقبال مردم تهران از جشن کیلومتری غدیر شکل غافلگیر کننده‌ای پیدا کرد، باز هم در تحلیل موضوع چالش‌هایی ایجاد شد که از دقیق نبودن برابر نهاد سنت و مدرنیته برمی‌خاست. آیا این مردم عجیب هستند یا آنهایی که تعجب می‌کنند در شناختن این مردم دچار ضعف بودند؟ هر کدام از آدم‌ها ممکن است چندوجهی باشند، حال آنکه از سیاسیون گرفته تا روشنفکران، همه می‌خواهند آنها را دسته‌بندی کنند و در گروه‌های مشخص قرار دهند. شما سنتی هستید، شما مدرن هستید، شما بین سنت و مدرنیته هستید، شما مذهبی، بوم‌گرا، روزآمد و غرب‌گرا، غرب‌ستیز، بی‌تفاوت، متعصب یا هر چیز دیگری هستید... اینها اما دقیق نیست. اگر همین آدم‌های چندوجهی در یک کنش جمعی، یک برون‌داد رفتاری کلیشه‌شکن بروز دهند، کار عجیبی نکرده‌اند. تحلیل درست از آنها به هیچ‌وجه چنین کنش‌هایی را محال یا بعید به‌نظر نمی‌رساند، اما دسته‌بندی‌های تیپیکال که طراحانش تماما آنها را باور کرده‌اند، این چیزها را شگفتی می‌پندارند. طبیعتا این طور نیست که فرهنگ مردم یک کشور در انزوای محض آنها شکل گرفته باشد. پس آنچه با عنوان سنت مورد اشاره قرار می‌گیرد یک امر ثابت تغییرناپذیر نیست. اگر تعصب و عدم انعطاف نام خودش را سنت گذاشت، نباید این را از او بپذیریم و اگر هر نوع هویت‌باختگی برای خودش عنوان مدرنیته را برگزید، می‌بایست او را به‌دلیل تعریف ناکارآمد و حتی مضر از تجدد کنار گذاشت. ما به تعریفی از جامعه نیاز داریم که نه از جشن بزرگ غدیر در تهران غافلگیر شود و نه از یک سری اعتراضات و انتقادها نسبت به تندروی‌هایی که از موضع شبه‌مذهبی صورت می‌گیرند، احساس آشفتگی کند.

یادداشت

چرا باید از ایده‌هایی مانند میهمانی‌های هر چند کیلومتری دفاع کرد؟

این منتقدهای آیین‌ندان

محمدصادق علیزاده
روزنامه‌نگار فرهنگ

یک. مناسک می‌سازند! دین را توده‌ای کرده‌اند! هسته‌های کوچک دین‌داری را لگدمال می‌کنند! اینها شاید سرفصل نقدهایی است که این روزها بر گردهمایی‌هایی از جنس میهمانی ۱۰ کیلومتری و ۸ کیلومتری و ۵ کیلومتری و هر چند کیلومتری‌اش می‌تازند به زیر اخیه می‌کشندش! واقعیت را بخواهید حرف زدن در این فقره محتاج آن است که فرد قبلا تکلیفش به فقراتی که در ادامه مطرح می‌شوند مشخص نشده باشد، اصولا موضع و حرف و نظرش در رابطه با این موضوعات، با همه نقدها و پاسخ‌هایی که بعضا در مقام اجرا بر آنها وارد است، صرفا عبارتی بی‌ربشه و روی هوایند.

دو. «مناسک» چیست؟ سوای برخی مناسک مسلم دینی که حول اصول مسلم شکل گرفته‌اند خیلی چیز، جاری شدن خطبه عقد، روزه رمضان و امثالهم مگر برای الگای مفاهیم دینی، فرم و شکل مسلمی داریم؟ فی‌المثل فرم و شکل مفهوم حجاب به‌رغم ثابت بودنش در اصول مسلم دینی مگر در فرهنگ مسلمانان اندونزی و شیعیان عراق و مسلمانان ترک با اینفورهای چین «یکسان» و «همسان» است؟ اصلا همین مناسک عاشورایی را بگذاریم زیر ذره‌بین تحلیل که حضرات نشد قبل سالی یک‌بار در پدیده‌ای نظیر اربعین سراغش می‌روند.

«سنت» را گذاشته‌اند معیار و هر آیینی که هم‌فرم این سنت نباشد به زعم حضرات، انحراف در مناسک است و توده‌ای کردن دین و الخ! یکی هم پیدا نمی‌شود بگوید اگر در بسیاری از همین سنت‌های عاشورایی را بگیرید و در طول تاریخ عقب عقب بروید، نهایتش به آل‌بویه می‌رسید. صفویان آل‌بویه بشعور عمده مناسک - به تعبیر حضرات سنت‌های - عاشورا هستند. حال اگر در زمان آل‌بویه باشیم و بخواهیم با منطق «سنت» و «مناسک‌سازی» با آیین‌های عاشورایی برخورد کنیم تکلیف چیست؟ چگونه است که گردهمایی مسلمین و موحدین حول یک «اصل» و آیین ساختن از آن حول مفهوم «عاشورا» در عصر آل‌بویه می‌شود معیار مناسک ولی همین کار در عصر حاضر می‌شود «مناسک‌سازی»؟

سه. آیین (به مفهوم جامعه‌شناختی‌اش نه به مفهوم ایدئولوژیکش) را در مطالعات جامعه‌شناختی هم به رسمیت شناخته‌اند. در عجیم از آکادمیسین‌های وطنی که آن را حول مفاهیم دینی برنمی‌تابند. آیین گردهم آمدن اعضای یک اجتماع است، نوعی گرد هم آمدن که از سر اجبار نیست، داوطلبانه و از روی اختیار است. کارکردش؟ ایجاد «هویت» جهت فردی و پیوند زدن فرد با جهان بینی و مفاهیمی که حتی از نظر زمانی و مکانی ممکن است با آن فاصله داشته باشد. درواقع فرد با حضور در این آیین‌ها، کیستی و چیستی خود را به این مفاهیم پیوند زده و خود و زندگی‌اش را ذیل این مفاهیم معنادار می‌کند؛ حال می‌خواهد این جهان بینی فرهنگ کی‌یاب باشد یا رپرها یا حج اسلامی یا جهان بینی سرچ‌پوستی که آیینش را در قالب رقص دور آتش به عینیت و عالم خارج درمی‌آورد.

پدیده‌هایی نظیر میهمانی‌های هر چند کیلومتری هم از همین سنخند. نوعی آیین و گردهمایی و جمع شدن آن‌ها که بعضا حتی خطبه غدیریه هم برایشان خوانده نمی‌شود و کودکان روی سرسره‌های بادی لذتشان را می‌برند اما نفس این گردهمایی ذیل یک جهان بینی تعریف شده است. حب سوال اینجاست در زمانه‌ای که فرهنگ بولدوزرمآب فرنگی از زمین و زمان و فیلم و اینترنت، فکر و ذهن و روان انسان شرقی را هدف گرفته و به ضرب و شور در پی این همانی دختر و پسر ایرانی با هوچشمی‌های فرنگی‌اش است، چه‌اراده دارد در پی احیای مجدد هویت شرقی و ایرانی و اسلامی باشیم و در برابر هجوم امپریالیستی فرهنگی که حتی کشورهایی مانند فرانسه و انگلیس را هم حساس کرده دست‌اندازاز و سرعت‌گیر ایجاد کنیم؟ اصلا ایدئولوژی را کنار بگذاریم و کارکردگرایانه نگاه کنیم! این رویدادها (Event) در حکم حصارهای فرهنگی و تمدنی‌اند که در برابر هجوم مغولان عصر جدید در حکم پاسبان فرهنگ ایرانی شرقی‌اند. این قلم معتقد است نه‌فقط در فقره غدیر بلکه در سایر فقرات مذهبی و ملی از روز ملی خلیج فارس گرفته تا میلاد حضرت صاحب(عج) باید این آیین‌ها را گسترش داد و در توسعه کمی و کیفی آنها کوشید نه اینکه پای دیافات یا آنها مخالفت کرد و تیشه به ریشه‌شان زد. آیین، می‌تواند فلسفه‌ها و حصارهای فرهنگی این دیار باشد و با حفظ ملاحظات و مراقبت می‌توان این حصارها و قلعه‌ها را افزایش داد. آیین‌ها محمل نرم افزاری فرهنگ ایرانی شرقی‌اند.

چهار و آخر. آیین در حکم تقویت هویت فردی است. آیین گرمزننده چیستی و کیستی فرد به جهان بینی دیگری است اعم از اینکه کی‌یاب باشد یا راهنیان تور دفاع مقدس! اگر مساله هویت داریم، اگر مساله دفاع در برابر امپریالیسم صنعت فرهنگ غالب بر دنیا را داریم و اگر مساله احیا و زنده نگه داشتن فرهنگ و جهان بینی ایرانی شرقی مسلمان، حتما یکی از مهم‌ترین راهکارهایش آیین است. تقویت هویت دین‌داران، و به رخ کشیدن آیین هویت نه‌فقط الان که در معرض تهاجم تمدنی غرب قرار گرفته‌ایم که اصلا از همان صدر اسلام هم یک مساله بود و مگر جز این است که پدیده‌هایی نظیر حج، رجزهای حماسی در جنگ خواندن و تاکید انبیاء هدی(ع) بر یادمان‌سازی عاشورا و زنده نگه داشتن آنها در طول زمان چیز جز آیین بوده؟ حال این اصل در میان مسلمانان شکل دیگر پیدا می‌کند و در میان مسلمانان هفت شکلی دیگر. پس بیش به سوی تقویت و توسعه کمی و کیفی آیین‌ها!

یادداشت

عید یا اینونت؟ مساله این است...

هومن جعفری
خبرنگار

چه نیازی به نوشتن و فلسفه بافی برای غدیر داریم؟ چه نیاز به توجیه یا توضیح این جشن؟ غدیر جشن کوه‌ها و محله‌های ماست. حالا خیابانی شد، رشد کرده. سر و شکل گرفته. زمان پچگی ما عید محله‌ها بود. عید فامیل. عید ما سیدها که باید مورد تبریک و خوشامدگویی بقیه قرار می‌گرفتیم. غدیر زمان ما از این جشن‌های امروزی نداشت. نمی‌گویم بهتر بود یا بدتر. آن روزها زمانه دیگری بود که آمروز دیگر در موردش نمی‌توان قضاوت کرد.

باید در زمانه خودش و محتوا و حالا فرم و پلنفرم، بازی را کامل در دست گرفته. حالا در دنیای تحت سیطره فضای مجازی، رویدادها بیش از اینکه «محتاجمحور» باشند اسیر «فرم» و حتی «پلنفرمند»؛ انگار می‌توان دید و لمس کرد و فهمید که درست عین همه چیزهای دیگری که در زندگی عادی خودمان داریم، هر عیدی، هر مناسبتی، هر شادی و غزایی، هر چیزی به یک «اینوت» یا رخداد تبدیل می‌شود که باید جنبه بیرونی و تبلیغی و جذابیتی پیدا کند. می‌خواهد عید نوروز باشد یا لنتاین یا کریسس یا بلک‌فرایدی یا مراسم ازدواج دانشجویی یا عید غدیر یا رومانیی از یک محصول تجاری یا افتتاح یک شعبه کتابفروشی جدید. اصل ماجرا این است که حالا «پرفورمانس» یا «نمایش» دیگر فقط شکل عرضه نیست. انگار خود محصول هم هست. پیش از این فرم داشتیم و محتوا و حالا فرم و پلنفرم، بازی را کامل در دست گرفته. حالا در دنیای تحت سیطره فضای مجازی، رویدادها «محتاجمحور» باشند اسیر «فرم» و حتی «پلنفرمند»؛ انگار می‌توان دید و لمس کرد و فهمید که درست عین همه چیزهای دیگری که در زندگی عادی خودمان داریم، هر مناسبتی، هر شادی و غزایی، هر چیزی به یک «اینوت» یا رخداد تبدیل می‌شود که باید جنبه بیرونی و تبلیغی و جذابیتی پیدا کند. اصل ماجرا این است که حالا «پرفورمانس» یا «نمایش» دیگر فقط شکل عرضه نیست. انگار معنا گریز و محتواگریز و فرم‌پذیر و فرم‌پیند امروز، کارکرد اصلی و نمادین خود را از دست ندهد. یادمان باشد ما باید جشن غدیر را وارد جشن‌های مجازی کنیم نه اینکه فضای مجازی را وارد جشن غدیر کنیم! جشن خوب است. نه‌فقط یک رنگ ما رنگی هم می‌بخشد. نظم خسته‌کننده موجود را خراب می‌کند و یک تنوع و تغییر کوتاه ولی دلپسند را اضافه می‌کند. جشن‌ها تماما بار مفهومی دارند. بار معنایی! هر جشنی که می‌گیریم بزرگداشت چیزی است. تولد خودمان یا عزیزان ما نیز یا شهرهایی که برای ما حامل و حامی ارزش‌هایند. سالگردها همین حکم را دارند. سالگرد رخ دادن اتفاقی که می‌تواند ازدواج ما یا ازدواج دو چهره محبوب باشد یا رقم خوردن اتفاقی آنقدر پرمعنا و اثرگذار که همچنان گرامی داشته باشد.

جشنی که ما دوستش داریم، جشن معنا یا محتواست. دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، دنیای محتواگریز و فرم‌پیند است. این ربطی به غدیر ندارد. ربطی به اسلام یا ایرانیت هم ندارد. زندگی در عصر پلتفرم‌ها به همه به غلط آموخته که فرم بر محتوا مقدم است. از همین رو، در بزرگداشت عیدها و ایام مهم، وقتی قصد داریم در فضای مجازی از آن یاد کنیم یادمان باشد محتوا مهم‌تر است. هر چیز باید در تناسب باشد. محتوا و فرم دو روی سکه یک محصول فرهنگی‌اند. در تطبیق جشن‌ها و اعیاد دینی این نکته از هر چیز دیگری مهم‌تر است. خودمان را با فرم‌ها فریب ندهیم. مردم هنوز دلبسته محتوایند.

ادامه در صفحه ۱۴

چارسو

واکنش وزیر ارشاد به ضد و نقیض‌های نظارت بر نمایش خانگی

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص نظارت بر شبکه نمایش خانگی، گفت: «در بند ۱ آن توافقنامه همه وظایفی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا امروز در حوزه فضای خارج از صوت و تصویر فراگیر دارد، برعهده وزارتخانه است. به‌جز چند مورد خاص ازجمله بحث سریال‌ها که آنجا نمایندگانی از ارشاد کنار دوستان هستند و در بحث پخش زنده‌ها هم این تفکیک اتفاق افتاده است. درواقع حدود دو مورد از این وظایف نیز که در اختیار همکاران‌مان در صداوسیماست به‌دلیل نزدیکی کارکردش با این کار همکارانم در شوراهای صدور مجوز و ساخت آن حضور دارند. همچنین برای اینکه سیاست‌ها و برنامه کاملی هم اتفاق بیفتد، کارگروهی مشترک با ابلاغ رئیس‌جمهور و مسئولیت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضویت وزیر ارشاد و رئیس صداوسیما، دبیر شورای عالی فضای‌مجازی و چند شخصیت حقیقی و حقوقی دیگر درحال شکل‌گیری است. قرارشده آنجا ظرف سه‌ماه بنشینند و سیاست‌های کامل این بحث را تدوین کنند.» وی همچنین گفت: «ما آیین‌نامه نظارتی‌مان در این حوزه یک آیین‌نامه مشترک است؛ هم در سینما و هم در نمایش‌خانگی. ما بنا داریم بر فیلم‌های سینمایی را -که در جریان نمایش‌خانگی و وی‌اودی‌ها بارگذاری شده‌اند و بارگذاری می‌شوند- با استفاده از آیین‌نامه‌های موجودمان نظارت کنیم. شاخص‌ها و معیارهایمان تفاوت نکرده، درواقع تفاوت محل انتشار باعث تفاوت معیار نمی‌شود. با معیارهایی که به‌صورت روشن و قانونی برای نظارت بر خارج از فضای صوت و تصویر فراگیر داریم در این حوزه هم نظارت و ارزیابی اتفاق می‌افتد.»

سازمان منافقین مملو از سوژه دراماتیک است!

لیلی عاج که با فیلم «سرهنگ ثریا» در نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم حوا حضور دارد، درباره شکل‌گیری ایده این فیلم به بیان خاطراتی از زمان تولید آن پرداخت و بیان کرد: «پدر و مادرم در اصل متعلق به گیلانغرب از شهرستان فارس‌اند و برای مدتی در شهرهای مقاوم در جنگ تحمیلی هستند. پدربزرگم کشاورز بود و در زمین کشاورزی‌شان تابلویی سبز قرار داشت که روی آن نوشته بود چند کیلومتر تا کربلا باقی مانده است. وقتی حمله مرصاد اتفاق افتاد، او در آن زمین مشغول کشاورزی بود و برای حفظ جان خود به کوه پناه برد و گم شد. این خاطره کودکی همیشه همراه من بود و دلم می‌خواست روزی درباره آن بنویسم.» افزود: «من برای ساخت یک فیلم مشغول نوشتن این خاطره شدم اما به‌نظرم فیلمنامه‌ای که نوشته شد، درست درنیامد و درگیر سوژه سازمان منافقین شدم. جست‌وجوهای زیادی کردم و فیلم‌ها و مستندهایی را که درباره سازمان بود، می‌دیدم تا اینکه به یک عکس برخورد کردم. این عکس مربوط به خانواده‌هایی بود که کنار سپرحارادارهای پادگان اشرف ایستاده بودند، ؛ کارگردان فیلم سرهنگ ثریا تصریح کرد: «به‌نظرم تصویر این عکس انعکاس یک رخداد متفاوت و عکسی گویا و ماندگار بود و به‌عبارتی درام داشت، بنابراین سوژه فیلم من از قصه پدربزرگم به‌سمت خانواده‌ها تغییر کرد، لذا الان درباره این عکس و قصه پادگان اشرف نمایشنامه‌ای را نوشتم که روی صحنه رفت و کتاب آن هم چاپ شد و سپس نسخه سینمایی آن را در سرهنگ ثریا کلید زدیم.» او درباره تحقیقات صورت گرفته برای نگارش فیلمنامه این اثر سینمایی بیان کرد: «سراسر سال ۱۴۰۰ را درگیر تحقیق و نگارش فیلمنامه سرهنگ ثریا بودم. این سازمان بارها انقلاب ایدئولوژیک داشته، پوست‌انداز